

مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

دوره ۳۲ شماره ۳ مرداد و شهریور ۱۳۸۹ صفحات ۷۶-۸۰

توزیع فنوتیپ های پاراکسوناز سرم به روش دو سوبسترای و تغییرات پروفایل لیپیدی در بیماران مبتلا به بیماری عروق کرونر

عبدالکریم مهرنوز: گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
محمد نوری: گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز: نویسنده رابط

e-mail: nourimd2@yahoo.com

محمدرضا رشیدی: گروه شیمی دارویی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
ناصر اصلان آبادی: گروه کاردیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
دردی قوجق: گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل

دریافت: ۸۷/۱۰/۱۴، پذیرش: ۸۷/۶/۸

چکیده

زمینه و اهداف: پاراکسوناز سرم یک استراز وابسته به لیپوپروتئین پرچگال است که می‌تواند از تشکیل لیپوپروتئین کم چگال اکسید شده جلوگیری کند. فعالیت پاراکسوناز سرم در بیماری های قلبی-عروقی کاهش می‌یابد. در مطالعه حاضر، توزیع فنوتیپ های پاراکسوناز سرم در بیماران مبتلا به بیماری عروق کرونر تعیین گردید. همچنین، به علت محدود بودن مطالعات انجام گرفته در مورد ارتباط بین فعالیت های پاراکسونازی و آریل استرازی پاراکسوناز ۱ سرم با میزان گرفتگی عروق کرونر، این ارتباط نیز مورد بررسی قرار گرفت.

روش بررسی: ۶۱ بیمار با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد و ۶۳ بیمار با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد در این مطالعه وارد شدند. فعالیت های پاراکسونازی و آریل استرازی به ترتیب با سوبسترای پاراکسون و فنیل استات اندازه‌گیری گردیدند. فنوتیپ‌های پلی‌مورفیسم Q/R192 آنزیم با روش دو سوبسترای تعیین گردید.

یافته ها: در بیماران با گرفتگی عروق کرونری کمتر از ۵۰ درصد، به ترتیب ۴۱، ۴۶ و ۱۳ درصد از بیماران به فنوتیپ های Q، QR و R تعلق داشتند. فنوتیپ های Q، QR و R در بیماران با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد، به ترتیب ۴۸، ۴۱ و ۱۱ درصد بودند. در بیماران با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد فعالیت های پاراکسونازی و آریل استرازی نسبت به بیماران با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد به طور معنی داری بالاتر بود (به ترتیب برابر با $P=0/02$ و $P=0/04$). همچنین میزان لیپوپروتئین با چگالی بالا در بیماران با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد در مقایسه با بیماران با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد افزایش معنی داری داشت ($P=0/025$).

نتیجه گیری: در مطالعه حاضر، توزیع فنوتیپ های پاراکسوناز ۱ سرم در بیماران مبتلا به بیماری های قلبی-عروقی با میزان گرفتگی عروقی متفاوت مشخص گردید. همچنین، با توجه به کاهش معنی دار فعالیت های پاراکسونازی و آریل استرازی پاراکسوناز ۱ سرم و میزان لیپوپروتئین با چگالی بالا با افزایش میزان گرفتگی عروقی، این مطالعه می‌تواند به عنوان شاهدهی مطرح شود در راستای نقش مهم این آنزیم در آترواسکلروز.

کلید واژه ها: فنوتیپ های پاراکسوناز ۱، پاراکسوناز، آریل استراز، گرفتگی عروق کرونر

مقدمه

آنزیم پاراکسوناز سرم^۱ انسانی (آریل دی آلکیل فسفاتاز؛ PON1, EC 3.1.8.1) یک استراز وابسته به کلسیم است که می‌تواند طیف وسیعی از سوبستراهای مختلف از جمله ارگانوفسفات‌هایی مانند پاراکسون و استرهای نظیر فنیل استات را هیدرولیز کند (۲ و ۱). نام این آنزیم از اثرش بر سوبسترای پاراکسون گرفته شده است (۳). توانایی PON1 در هیدرولیز پاراکسون، فعالیت پاراکسونازی و اثرش بر استرهای مانند فنیل استات، فعالیت آریل استرازی نامیده می‌شود (۲).

آنزیم پاراکسوناز سرم^۱ انسانی (آریل دی آلکیل فسفاتاز؛ PON1, EC 3.1.8.1) یک استراز وابسته به کلسیم است که می‌تواند طیف وسیعی از سوبستراهای مختلف از جمله ارگانوفسفات‌هایی مانند پاراکسون و استرهای نظیر فنیل استات را هیدرولیز کند (۲ و ۱). نام این آنزیم از اثرش بر سوبسترای پاراکسون گرفته شده است (۳). توانایی PON1 در هیدرولیز پاراکسون، فعالیت پاراکسونازی و اثرش بر استرهای مانند فنیل استات، فعالیت آریل استرازی نامیده می‌شود (۲).

بیمارستان شهید مدنی دانشگاه علوم پزشکی تبریز تحت آنژیوگرافی قرار گرفتند، با روش دوسوبسترای تعیین گردید. ارتباط بین فعالیت های پاراکسونازی و آریل استرازی PON1 و میزان گرفتگی عروقی در این بیماران مبتلا مورد بررسی قرار گرفت. به علاوه، میزان HDL-C، LDL-C، کلسترول تام و تری گلیسریدهای سرم اندازه گیری شد.

مواد و روش‌ها

افرادی که در این مطالعه وارد شدند شامل ۱۲۴ بیماری بود که در طی شش ماه به مرکز آموزشی-درمانی شهید مدنی دانشگاه علوم پزشکی تبریز تحت آنژیوگرافی مراجعه نموده و میزان گرفتگی عروقی آنان توسط پزشکان متخصص کاردیولوژیست بررسی و گزارش شده بود. این بیماران بر اساس میزان گرفتگی عروقی، به دو گروه تقسیم شدند: ۶۱ نفر با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد و ۶۳ نفر با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد. بیماران مبتلا به دیابت و بیمارانی که به تازگی تحت آنژیوپلاستی کرونری یا جراحی بای پس کرونری قرار گرفته بودند، از مطالعه خارج شدند. نمونه‌گیری از بیماران قبل از آنژیوگرافی انجام شد و سرم‌ها پس از جداسازی تا زمان انجام آزمایشات (حداکثر تا ۳ ماه) در ۷۰- درجه سانتیگراد نگهداری گردید.

فعالیت پاراکسونازی PON1 با سوبسترای پاراکسون (Sigma Chemical Co.) اندازه‌گیری شد (۴۱۲ و ۲۰ مقدار میکرولیتر از سرم به بافر (Tris/HCl (100 mmol, pH 8.0) حاوی ۲ mmol پاراکسون و ۲ mmol کلرید کلسیم اضافه گردید. سرعت هیدرولیز پاراکسون از طریق آزاد شدن پارانیتروفنل در دمای ۳۷ درجه سانتیگراد و طول موج ۴۱۲ nm با دستگاه UV - اسپکتروفتومتر (UV 1250, Shimadzu, Japan) سنجیده شد. واحد فعالیت آنزیم به صورت nmol/min/ml serum بیان گردید. فعالیت آریل استرازی با فنیل استات (Fluka) به عنوان سوبسترا مورد سنجش قرار گرفت (۱۲). مقدار ۱۰ میکرولیتر از سرم به مخلوط واکنش حاوی ۲ mmol فنیل استات و ۲ mmol کلرید کلسیم در بافر (Tris/HCl (100 mmol, pH 8.0) افزوده شد. سرعت هیدرولیز سوبسترا با روش اسپکتروفوتومتری در ۳۷ درجه سانتیگراد و طول موج ۲۷۰ nm تعیین گردید. نتایج به صورت $\mu\text{mol}/\text{min}/\text{ml serum}$ گزارش شد (۱۲).

کلسترول تام، تری گلیسرید و HDL-C با کیت های شرکت پارس آزمون (تهران) اندازه‌گیری شدند. LDL-C نیز از فرمول فریدوالد محاسبه گردید (۱۳).

داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه 15.0 و به صورت میانگین، انحراف معیار، تعداد و درصد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای مقایسه دو گروه مورد مطالعه از آزمون‌های student's t-test و chi-square test (برای مقایسه

PON1 آنزیمی است که در کبد ساخته می‌شود و در سرم روی لیپوپروتئین پرچگال^۱ (HDL) قرار دارد (۴). لیپوپروتئین HDL در بیماری های قلبی عروقی نقش مهمی ایفا می‌کند و غلظت پایین آن در سرم یکی از مهمترین ریسک فاکتورها برای این بیماری‌ها به حساب می‌آید (۵). غلظت سرمی HDL با توسعه آترواسکلروز ارتباط معکوس دارد. مکانیسمی که از طریق آن HDL می‌تواند نقش حمایتی خود را در آترواسکلروز ایفا کند به خوبی شناخته نشده است (۶). بسیاری از مطالعات اولیه انجام شده در زمینه نقش HDL در آترواسکلروز، به عملکرد آن در انتقال معکوس کلسترول پرداخته اند (۶ و ۵)، اما در سال‌های اخیر حوزه تحقیقاتی دیگری نیز توجه محققان را به خود جلب کرده است. HDL می‌تواند لیپوپروتئین کم چگال^۲ (LDL) را در مقابل آسیب اکسیداتیو محافظت کرده و از ایجاد LDL اکسید شده جلوگیری کند (۷ و ۵). آنزیم های HDL در این عمل آنتی اکسیدانی نقش مهمی بازی می‌کنند و به احتمال زیاد PON1 نقش اصلی را در این زمینه به عهده دارد (۵ و ۳). بر اساس برخی از مطالعات انجام یافته (۸) فعالیت PON1 سرمی در بعضی از بیماری‌های تسریع کننده آتروژنیزس، کاهش می‌یابد. هم چنین کاهش فعالیت PON1 در هیپرکلسترولمی فAMILI و دیابت که توام با تسریع آتروژنیزس است، گزارش شده است (۴)؛ با وجود این، مطالعات معدودی بر روی ارتباط بین فعالیت PON1، به خصوص فعالیت آریل استرازی، و شدت گرفتگی عروق کرونری صورت پذیرفته است (۹).

ژن PON1 روی بازوی بلند کروموزوم ۷ قرار داشته و دو پلی مورفیسم معمول در اسیدهای آمینه ۱۹۲ و ۵۵ دارد که عبارتند از: پلی مورفیسم Q/R192 و پلی مورفیسم M/L55 (۳ و ۱۰). پلی مورفیسم Q/R 192 وابسته به سوبسترا است به نحوی که پاراکسون توسط آلوزیم R سریع تر هیدرولیز می‌شود اما هیدرولیز فنیل استات توسط هر دو آلوزیم Q و R با سرعت یکسانی کاتالیز می‌گردد (۶). بنابراین، پلی مورفیسم ۱۹۲ سبب ایجاد سه فنوتیپ می‌شود: فنوتیپ Q با فعالیت پاراکسونازی پایین، فنوتیپ QR با فعالیت پاراکسونازی متوسط و فنوتیپ R با فعالیت پاراکسونازی بالا (۹). آلوزیم های R و Q پاسخ های متفاوتی به تحریک با نمک نشان می‌دهند به گونه ای که آلوزیم R توسط NaCl بسیار بیشتر تحریک می‌شود (۱۱). از این خاصیت می‌توان برای شناسایی فنوتیپ های PON1 استفاده کرد. با محاسبه نسبت فعالیت پاراکسونازی تحریک شده با نمک به فعالیت آریل استرازی می‌توان هر سه فنوتیپ آنزیم (ژنوتیپ های فردی) را تعیین کرد (۱۱).

در مطالعه حاضر، توزیع فنوتیپ های Q/R192 آنزیم PON1 در بیماران مبتلا به بیماری های قلبی عروقی که در

R تقسیم شدند. توزیع فنوتیپی بیماران مورد مطالعه در جدول ۲ آمده است.

اثری که پلی مورفیسم ۱۹۲ روی فعالیت پاراکسونازی آنزیم می گذارد در جدول ۲ نشان داده شده است. هم در گروه بیمار با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد و هم در گروه بیمار با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد بیشترین فعالیت پاراکسونازی مربوط به فنوتیپ R است. افراد دارای فنوتیپ QR فعالیت متوسطی را نشان می دهند و افراد دارای فنوتیپ Q کمترین فعالیت پاراکسونازی را دارند. همانطور که در این جدول نشان داده شده است، هم در گروه بیمار با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد و هم در گروه بیمار با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد، فعالیت پاراکسونازی فنوتیپ Q نسبت به فعالیت پاراکسونازی فنوتیپ های QR و R به طور معنی داری پایین تر است ($P=0/001$). همچنین افراد دارای فنوتیپ QR نسبت به فنوتیپ های R به طور معنی داری فعالیت پاراکسونازی پایین تر دارند ($P=0/03$).

بحث

پلی مورفیسم Q/R192 یکی از پلی مورفیسم های رایج آنزیم PON1 است (۶). بر اساس این پلی مورفیسم هر فرد می تواند یکی از فنوتیپ های Q، QR و R را داشته باشد (۱۱ و ۱۴). با توجه به این که آلوزیم های R و Q پاسخ های متفاوتی به تحریک با NaCl نشان می دهند، اکرسون و همکارانش توانستند با روش دوسوبسترای و به دست آوردن نسبت فعالیت پاراکسونازی تحریک شده با NaCl به فعالیت آریل استرازی، سه فنوتیپ آنزیم را در افراد مورد مطالعه شناسایی کنند (۱۱).

جنس در دو گروه) استفاده شد. سطح معنی دار از نظر آماری $P<0/05$ تعریف گردید.

یافته ها

از کل ۱۲۴ بیمار مورد مطالعه، ۶۱ نفر بیمار با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد و ۶۳ نفر بیمار با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ بودند. اطلاعات مربوط به مشخصات عمومی و مقدار لیپیدهای سرم در جدول ۱ ارائه شده است. همانطور که در این جدول نشان داده شده است، مقادیر به دست آمده برای پارامترهای سن، جنس، شاخص توده بدنی (BMI)، فشار خون سیستولی و دیاستولی، کلسترول تام، تری گلیسرید و LDL-C در دو گروه مورد مطالعه از نظر آماری معنی دار نبودند، اما مقدار HDL-C در دو گروه اختلاف معنی داری داشت ($P=0/025$).

اطلاعات ارائه شده در شکل نشان می دهند که میزان فعالیت های پاراکسونازی و آریل استرازی PON1 در گروه بیمار با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد نسبت به گروه بیمار با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد کاهش می یابند و مقدار این کاهش از نظر آماری معنی دار است (به ترتیب $P=0/02$ و $P=0/04$).

برای دستیابی به فنوتیپ های PON1 در بیماران مورد مطالعه از روش اکرسون و همکارانش (۱۱) استفاده شد. در این روش از نسبت فعالیت پاراکسونازی تحریک شده با نمک به فعالیت آریل استرازی استفاده می گردد. بر اساس این روش بیماران با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد در نسبت های ۲/۱۴ و ۵/۹۹ و بیماران با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد در نسبت های ۲/۴۲ و ۵/۹۱ به سه فنوتیپ Q، QR و

جدول ۱: مقایسه برخی مشخصات فردی، مقادیر لیپیدهای سرم و فعالیت آنزیم پاراکسوناز-۱ بین بیماران با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد و بیشتر از ۷۰ درصد

P	بیماران با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد (n=۶۳)	بیماران با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد (n=۶۱)	متغیر
۰/۳۵	۵۶/۱ ± ۹/۸	۵۳/۴ ± ۱۱/۴	سن (سال) ^a
۰/۳۲	۲۳/۴۰	۳۱/۳۰	جنس: مرد/زن ^b
۰/۴۵	۲۷/۲ ± ۴/۲	۲۷/۱ ± ۴/۳	شاخص توده بدنی (kg/m ²) ^a
۰/۴۳	۱۴۷/۲ ± ۳۰/۲	۱۴۶/۹ ± ۲۷/۸	فشار خون سیستولی (mmHg) ^a
۰/۳۸	۷۶/۴ ± ۱۱/۴	۷۴/۵ ± ۱۳	فشار خون دیاستولی (mmHg) ^a
۰/۲۵	۱۸۳/۱ ± ۵۲/۳	۱۹۲/۹ ± ۳۴/۱	کلسترول تام (mg/dl) ^a
۰/۳۶	۲۰۰/۰ ± ۱۱۷/۱	۱۹۵/۲ ± ۷۳/۳	تری گلیسرید (mg/dl) ^a
۰/۰۲	۳۷/۴ ± ۱۰/۳	۴۲/۴ ± ۱۲/۱	HDL-C (mg/dl) ^c
۰/۲۳	۹۸/۸ ± ۳۸/۷	۱۰۷/۸ ± ۲۶/۳	LDL-C (mg/dl) ^a

a: مقادیر P با آزمون student's t-test محاسبه شدند.

b: مقدار P با آزمون χ^2 محاسبه شد.

c: مقدار P با آزمون student's t-test محاسبه گردید.

جدول ۲: توزیع فنوتیپ های آنزیم پاراکسوناز-۱ و فعالیت پاراکسونازی این فنوتیپ ها در بیماران با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد و بیشتر از ۷۰ درصد

بیماران با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد (n = ۶۳)			بیماران با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد (n = ۶۱)			
فعالیت پاراکسونازی*	درصد	فراوانی	فعالیت پاراکسونازی*	درصد	فراوانی	
۱۰۱/۸ + ۴۸/۸ ^a	۴۸	۳۰	۱۲۳/۵ + ۴۵/۸ ^a	۴۱	۲۵	فنوتیپ Q
۱۷۲/۱ + ۶۳/۶ ^b	۴۱	۲۶	۲۰۴/۶ + ۸۹/۵ ^b	۴۶	۲۸	فنوتیپ QR
۲۴۹/۷ + ۹۸/۰	۱۱	۷	۲۹۱/۳ + ۷۸/۷	۱۳	۸	فنوتیپ R

* nmol/min/ml

a: اختلاف از نظر آماری معنی دار با فنوتیپ QR و فنوتیپ R ($P=0/001$) که با آزمون student's t-test محاسبه گردید).
b: اختلاف از نظر آماری معنی دار با فنوتیپ R ($P=0/03$) که با آزمون student's t-test محاسبه گردید).



شکل ۱: فعالیت های پاراکسونازی و آریل استرازی PON1 در بیماران با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰٪ و گروه بیمار با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰٪. اختلاف هر دو فعالیت پاراکسونازی و آریل استرازی در دو گروه از نظر آماری معنی دار است (به ترتیب $P=0/02$ و $P=0/04$ که با آزمون student's t-test محاسبه گردید).

منتشر شده توسط مکنس و همکارانش هماهنگی داشتند (۶). به علاوه، یافته های ما نشان داد که به طور مجزا، هم در گروه بیمار با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد و هم در بیماران با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد، فعالیت پاراکسونازی افراد دارای فنوتیپ های R از دو فنوتیپ دیگر بالاتر بود و فنوتیپ های QR نیز از فنوتیپ های Q فعالیت پاراکسونازی بیشتری داشتند. همچنین در مطالعه حاضر، میزان فعالیت پاراکسونازی و آریل استرازی آنزیم PON1 در بیماران مبتلا به بیماری های قلبی-عروقی با میزان گرفتگی عروقی متفاوت مورد بررسی قرار گرفت. فعالیت پاراکسونازی و آریل استرازی PON1 در بیمارانی که میزان گرفتگی عروقی آنان زیاد بود (بیشتر از ۷۰ درصد) به طور معنی داری پایین تر بود. این یافته با نتایج به دست آمده توسط محققان دیگر هم خوانی داشت. آزارسوز و همکارانش نشان دادند که فعالیت PON1 در بیماران مبتلا به بیماری های قلبی-عروقی کاهش می یابد (۱۵). گرانب و همکارانش نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که فعالیت و غلظت PON1 در افراد مبتلا به بیماری های قلبی-

یافته های ما در مطالعه حاضر با مطالعه اکرسون و همکارانش هماهنگی نزدیکی داشت به نحوی که گروه بیمار با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد در نسبت های ۲/۱۴ و ۵/۹۹ و گروه بیمار با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد در نسبت های ۲/۴۲ و ۵/۹۱ به سه فنوتیپ مجزا تقسیم شدند. از آنجا که پلی مورفیسم Q/R192 وابسته به سویسترا بوده و آلوزیم R سویسترای پاراکسون را سریع تر از آلوزیم Q هیدرولیز می کند، افراد دارای فنوتیپ R از افراد دارای فنوتیپ های QR و Q فعالیت پاراکسونازی بیشتری خواهند داشت (۱۱ و ۶). همچنین، این فعالیت آنزیم در فنوتیپ های QR از فنوتیپ های Q بیشتر خواهد بود (۶). یافته های ما نیز در مطالعه حاضر نشان داد که آلوزیم R می تواند پاراکسون را سریع تر از آلوزیم Q هیدرولیز کند. فعالیت پاراکسونازی آنزیم در افراد دارای فنوتیپ R از افراد دارای دو فنوتیپ دیگر بالاتر بود، اشخاص دارای فنوتیپ QR فعالیت متوسطی را نشان دادند و این فعالیت آنزیم در افراد دارای فنوتیپ Q کمترین مقدار را داشت (جدول ۲). این نتایج با داده های

HDL-C در بیماران مبتلا به بیماری های قلبی-عروقی با گرفتگی عروقی بیشتر از ۷۰ درصد نسبت به بیماران مبتلا به بیماری های قلبی-عروقی با گرفتگی عروقی کمتر از ۵۰ درصد به طور معنی داری پایین تر است. به عبارت دیگر، در این بیماران هر دو فعالیت PON1 با پیشرفت آتروم کاهش می یابند. بنابراین، این مطالعه می تواند از نقش مهم PON1 متصل به HDL در جلوگیری از تشکیل LDL اکسیده و آنتی آتروژنیک بودن این آنزیم حمایت کند.

تقدیر و تشکر

این مطالعه حاصل طرح تحقیقاتی مصوب مرکز تحقیقات قلب و عروق بیمارستان قلب شهید مدنی تبریز بوده و بدین وسیله از کلیه همکاران تشکر و قدردانی می شود.

عروقی با افزایش شدت و میزان گرفتگی عروقی کاهش می یابد (۱۶). به علاوه، مطالعات مکنس و همکارانش نشان داد که فعالیت و غلظت آنزیم PON1 در افراد مبتلا به بیماری های قلبی-عروقی پایین تر است (۶).

نتیجه گیری

در مطالعه حاضر، توزیع فنوتیپ های PON1 در بیماران مبتلا به بیماری های قلبی-عروقی با میزان گرفتگی عروقی متفاوت مشخص گردید. همچنین، از آنجا که روش دو سوبسترای برای تعیین فنوتیپ های PON1 شیوه ای نسبتاً آسان و کم هزینه است، توصیه می شود در مطالعاتی که نیاز به تعیین فنوتیپ های PON1 وجود دارد، این شیوه مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه، مطالعه حاضر نشان داد که فعالیت پاراکسونازی و آریل استرازی آنزیم PON1 و میزان

References:

- Gan KN, Smolen A, Eckerson HW, La Du BN. Purification of human serum paraoxonase/arylesterase: Evidence for one esterase catalyzing both activities. *Drug Metab Dispos* 1991; **19**: 100-106.
- Aviram M, Rosenblat M, Bisgaier CL, Newton RS, Primo-Paromo SL, La Du BN. Paraoxonase inhibits high-density lipoprotein oxidation and preserves its functions: A possible peroxidative role for paraoxonase. *J Clin Invest* 1998; **101**: 1581-1590.
- Durrington PN, Mackness B, Mackness MI. Paraoxonase and atherosclerosis. *Arterioscler Thromb Vasc Biol* 2001; **21**: 473-480.
- Ayub A, Mackness MI, Arrol S, Mackness B, Patel J, Durrington PN. Serum paraoxonase after myocardial infarction. *Arterioscler Thromb Vasc Biol* 1999; **19**: 330-335.
- Mackness MI, Mackness B, Durrington PN. Paraoxonase and coronary heart disease. *Atheroscler Suppl* 2002; **3**: 49-55.
- Mackness B, Davies GK, Turkie W, Lee E, Roberts DH, Hill E, et al. Paraoxonase status in coronary heart disease: Are activity and concentration more important than genotype? *Arterioscler Thromb Vasc Biol* 2001; **21**: 1451-1457.
- Aviram M, Rosenblat M. Paraoxonases 1, 2, and 3, oxidative stress, and macrophage foam cell formation during atherosclerosis development. *Free Radic Biol Med* 2004; **37**: 1304-1316.
- Hashim Z, Zarina S. Assessment of paraoxonase activity and lipid peroxidation levels in diabetic and senile subjects suffering from cataract. *Clin Biochem* 2007; **40**: 705-709.
- Serdar Z, Aslan K, Dirican M, Sarandol E, Yesilbursa D, Serdar A. Lipid and protein oxidation and antioxidant status in patients with angiographically proven coronary artery disease. *Clin Biochem* 2006; **39**: 794-803.
- Ng CJ, Shih DM, Hama SY, Villa N, Navab M, Reddy ST. The paraoxonase gene family and atherosclerosis. *Free Radic Biol Med* 2005; **38**: 153-163.
- Eckerson HW, Wyte CM, La Du BN. The human serum paraoxonase/arylesterase polymorphism. *Am J Hum Genet* 1983; **35**: 1126-1138.
- Kural BV, Orem C, Uydu HA, Alver A, Orem A. The effects of lipid-lowering therapy on paraoxonase activities and their relationships with the oxidant-antioxidant system in patients with dyslipidemia. *Coron Artery Dis* 2004; **15**: 277-283.
- Friedwald WT, Levy RI, Fredrickson DS. Estimation of the concentration of low-density lipoprotein cholesterol in plasma, without use of the preparative ultracentrifuge. *Clin Chem* 1972; **18**: 499-502.
- Billicke S, Draganov D, Counsell R, Stetson P, Watson C, HSU C et al. Human serum paraoxonase (PON1) isozymes Q and R hydrolyze lactones and cyclic carbonate esters. *Drug Metab Dispos* 2000; **28**: 1335-1342.
- Azarsiz E, Kayikcioglu M, Payzin S, Sozmen EY. PON1 activities and oxidative markers of LDL in patients with angiographically proven coronary artery disease. *Int J Cardiol* 2003; **91**: 43-51.
- Graner M, James RW, Kahri J, Nieminen MS, Syvanne M, Taskinen M-R. Association of paraoxonase-1 activity and concentration with angiographic severity and extent of coronary artery disease. *J Am Coll Cardiol* 2006; **47**: 2429-2435.